



**تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
و مذهبی جهان اسلام  
از سال ۴۱ تا ۲۲۷ هجری قمری**

دکتر محمدعلی چلونگر  
(استاد دانشگاه اصفهان)

دکتر پروین اصغری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
تابستان ۱۳۹۶

چلونگر، محمدعلی، ۱۳۴۱ - .  
تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جهان اسلام از سال ۴۱ تا ۲۲۷ هجری قمری / محمدعلی  
چلونگر، پروین اصغری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.  
دوازده، ۲۸۴ص: جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۰۱: تاریخ: ۹۴)  
ISBN: 978-600-298-156-1  
بها: ۱۶۰۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه: ص. [۲۴۹]-۲۶۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
۱. اسلام - تاریخ - ۴۱-۲۲۷ق. ۲. امویان - تاریخ. ۳. عباسیان - تاریخ - ۱۳۲-۲۳۲ق. الف. اصغری،  
پروین، ۱۳۶۶ - . ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.  
۱۳۹۶ ۲ت ۸ج / DS ۳۸/۵ ۹۵۳/۰۲  
شماره کتابشناسی ملی  
۴۶۸۹۸۱۱



تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جهان اسلام از سال ۴۱ تا ۲۲۷ هجری قمری

مؤلفان: دکتر محمدعلی چلونگر (استاد دانشگاه اصفهان) و دکتر پروین اصغری

ویراستار: سعیدرضا علی عسگری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،

ص.پ. ۳۱۵ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «فرهنگ و تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تحولات جهان اسلام تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلفان محترم جناب آقای دکتر محمدعلی چلونگر و سرکار خانم دکتر پروین اصغری و نیز از ارزیاب محترم اثر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان مقدم سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	بخش اول: تاریخ تحولات قلمرو اسلامی در عصر بنی‌امیه
۷	فصل اول: تاریخ سیاسی عصر خلافت بنی‌امیه
۷	معاویة بن ابی‌سفیان، بنیان‌گذار حکومت اموی (۴۱-۶۰ ق)
۱۳	وقایع دوره حکمرانی معاویه
۱۴	شورش‌های خوارج
۱۵	مقابله با شیعیان
۱۸	ولایتعهدی یزید
۱۹	یزید بن معاویه (۶۰-۶۴ ق)
۲۰	واقعه کربلا و چند پرسش پیرامون آن
۲۴	واقعه حره
۲۵	حمله به مکه
۲۵	معاویة بن یزید (۶۴ ق)
۲۶	اوضاع سیاسی قلمرو اسلام در دوره مروانی (۶۴-۱۳۲ ق)
۲۶	انتقال قدرت از سفیانیان به مروانیان (۶۴ ق)
۲۷	مروان بن حکم (۶۴-۶۵)
۲۷	جنگ مرج راهط
۲۹	عبدالملک بن مروان (۶۶-۹۵ ق)
۲۹	قیام توأیین
۳۰	قیام مختار ثقفی
۳۵	پایان کار خلافت زبیری
۳۵	شورش عمرو بن سعید

۳۶	شورش‌های خوارج
۳۶	الف) شورش خوارج ازارقه
۳۸	ب) شورش خوارج صفریه
۳۸	ج) شورش خوارج یمامه
۳۸	د) شورش عطیه بن اسود حنفی
۳۹	ه) شورش ابن اشعث
۴۰	و) شورش اهل بصره
۴۰	ز) شورش ازد در عمان
۴۱	ح) شورش زنگیان
۴۲	ط) شهادت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۴۳	ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ق)
۴۴	سلیمان بن عبدالملک (۹۶-۹۹ق)
۴۴	انتقال رهبری کیسانیه به آل عباس
۴۵	عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ق)
۴۷	اقدامات عمر بن عبدالعزیز درباره علویان
۴۸	عمر بن عبدالعزیز و خوارج
۴۸	اصلاحات سیاسی و مالی
۴۹	آغاز دعوت عباسیان
۴۹	یزید بن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵ق)
۵۰	خوارج در ایام خلافت یزید بن عبدالملک
۵۰	شورش یزید بن مهلب
۵۲	هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ق)
۵۳	قیام زید بن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small>
۵۵	خوارج در ایام خلافت هشام
۵۵	فعالیت داعیان عباسی
۵۶	ولیعهدی در زمان هشام
۵۶	شهادت امام محمدباقر <small>علیه السلام</small>
۵۹	ولید بن یزید (ولید دوم)
۶۰	قیام یحیی بن زید
۶۰	کشته شدن ولید بن یزید
۶۱	یزید بن ولید (یزید سوم)
۶۲	قیام حمص
۶۲	قیام فلسطین و اردن
۶۳	شورش مروان بن محمد

۶۳	قیام عبدالله بن معاویه
۶۴	کنگره ابواء
۶۵	گسترش قیام عباسیان
۶۶	ولیعهد یزید سوم
۶۶	ابراهیم بن ولید
۶۷	مروان بن محمد (مروان حمار)
۶۸	پایان کار مروان
۶۹	علل سقوط بنی امیه
۷۰	الف) علل سیاسی
۷۱	ب) علل اقتصادی
۷۱	ج) علل مذهبی
۷۱	د) علل نظامی
۷۲	ه) علل اجتماعی
<b>۷۵</b>	<b>فصل دوم: تاریخ فتوح عصر اموی</b>
۷۵	جبهه شرق اسلامی در عصر اموی
۸۴	جبهه مغرب اسلامی در عصر اموی
۹۲	جبهه روم در عصر اموی
<b>۹۷</b>	<b>فصل سوم: وضعیت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی عصر بنی امیه</b>
۹۷	تشکیلات حکومتی
۹۷	نهاد خلافت
۹۹	امارت
۱۰۰	سازمان اداری
۱۰۳	دستگاه مالی امویان
۱۰۴	مالیات ارضی
۱۰۷	مالیات سرانه (جزیه)
۱۰۷	غنایم
۱۰۸	هدایا
۱۰۸	نیروی نظامی در عصر اموی
۱۱۱	وضعیت اجتماعی جامعه اسلامی
۱۱۵	تعصب‌های قبیله‌ای عرب
۱۱۸	وضعیت مذهبی جامعه اسلامی
۱۱۸	شیعه
۱۱۸	الف) کیسانیه

۱۱۹	ب) زیدیه
۱۲۰	ج) امامیه
۱۲۰	د) غالیان
۱۲۲	فرقه‌های کلامی اهل سنت در عصر اموی
۱۲۲	الف) مرجئه
۱۲۲	ب) قدریه
۱۲۳	ج) جبریه
۱۲۴	د) معتزله
۱۲۵	خارج
۱۲۶	پیروان ادیان غیر اسلامی در عصر اموی
۱۲۶	یهودیان و مسیحیان
۱۲۶	زرتشتیان
۱۲۶	مزدکیان و مانویان
۱۲۷	زنادقه
۱۲۸	اوضاع فرهنگی - علمی
۱۲۸	علوم اسلامی
۱۳۱	تاریخ‌نگاری در عصر اموی
۱۳۵	علوم طبیعی در عصر اموی
۱۳۶	هنر در عصر اموی
۱۳۶	الف) معماری
۱۳۷	ب) نقاشی و خوشنویسی
۱۳۸	ج) سفال‌گری
۱۳۸	د) موسیقی
۱۳۹	<b>بخش دوم: تاریخ تحولات جهان اسلام در عصر اول عباسی</b>
۱۴۱	<b>فصل اول: تاریخ سیاسی عصر اول خلافت عباسی</b>
۱۴۱	شروع نهضت عباسیان
۱۴۳	ابومسلم خراسانی و قیام عباسیان
۱۴۵	ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶ق)
۱۴۶	اقدامات ابوالعباس در جهت استقرار قدرت عباسیان
۱۴۶	مقابله با نفوذ و قدرت داعیان عباسی
۱۴۷	تغییر پایتخت
۱۴۸	تعیین جانشین و ولیعهد
۱۴۸	اوضاع جبهه شرق اسلامی در دوره حکومت سفاح



۱۵۰	ابوجعفر منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق)
۱۵۰	شورش عبدالله بن علی (۱۳۷ق)
۱۵۱	قتل ابومسلم (۱۳۷ق)
۱۵۲	حرکت‌های خونخواهان ابومسلم
۱۵۴	شورش‌های خوارج سیستان
۱۵۵	برخورد منصور با آل علی <small>علیهم‌السلام</small>
۱۵۵	الف) سرکوب قیام فرزندان عبدالله محض (۱۴۵ق)
۱۵۶	ب) شهادت امام صادق <small>علیه‌السلام</small>
۱۵۸	بنای شهر بغداد
۱۵۹	ولایتعهدی
۱۵۹	اوضاع جبهه شرق اسلامی در دوره خلافت منصور
۱۶۱	ابوعبدالله محمد مهدی (۱۵۸-۱۶۹ق)
۱۶۲	رویدادهای مهم دوران حکومت مهدی عباسی
۱۶۲	ائتلاف زیدیان و عباسیان
۱۶۳	خروج یوسف البرم (۱۶۰ق)
۱۶۳	شورش مقنع (۱۶۱-۱۶۹ق)
۱۶۴	قیام محمره (۱۶۲ق)
۱۶۴	تعقیب و کشتار زنداقه
۱۶۵	مسئله ولایتعهدی هادی و هارون
۱۶۵	اوضاع جبهه شرق اسلامی در دوره حکومت مهدی عباسی
۱۶۶	ابومحمد موسی هادی (۱۶۹-۱۷۰ق)
۱۶۶	قیام شهید فُحّ
۱۶۷	ولایتعهدی هارون و مرگ هادی
۱۶۷	اوضاع جبهه شرق اسلامی در دوره خلافت هادی
۱۶۷	هارون (۱۷۰-۱۹۳ق)
۱۶۸	رویدادهای مهم خلافت هارون
۱۶۸	ناآرامی‌های خوارج
۱۶۹	قیام یحیی بن عبدالله علوی (۱۷۶ق)
۱۶۹	ناآرامی‌ها در شام
۱۶۹	سقوط برمکیان
۱۷۱	شهادت امام موسی کاظم <small>علیه‌السلام</small>
۱۷۲	اوضاع جبهه شرق اسلامی در دوره خلافت هارون
۱۷۳	مسئله ولایتعهدی

۱۷۴	امین (۱۹۳-۱۹۷ق)
۱۷۴	نزاع امین و مأمون بر سر خلافت
۱۷۵	مأمون (۲۱۸-۱۹۸ق)
۱۷۶	قیام ابوالسرایا (۱۹۹-۲۰۰ق)
۱۷۸	حرکت نصر بن سيار شبت
۱۷۸	جنش زُطها
۱۷۸	ناآرامی‌های مصر
۱۷۹	سرگذشت آل سهل
۱۸۰	ولایتعهدی امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱۸۲	قیام زید النار
۱۸۲	قیام ابراهیم بن موسی
۱۸۳	قیام محمد دیباج
۱۸۳	جنش خرمدینان (۲۰۱ تا ۲۲۳ق)
۱۸۵	اوضاع جبهه شرق اسلامی در دوره خلافت مأمون
۱۸۹	معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق)
۱۸۹	قیام محمد بن قاسم «صاحب طالقان» (۲۱۹ق)
۱۹۰	شورش زُطها
۱۹۰	بنای سامرا (۲۲۱ق)
۱۹۱	پایان کار بابک خرمدین
۱۹۲	شورش عَجیف بن عَنبسه و عباس بن مأمون (۲۲۳ق)
۱۹۲	شورش مازیار (۲۲۴ق)
۱۹۴	ماجرای افشین (۲۲۵ق)
۱۹۴	شکل‌گیری زمینه‌های حکومت صفاریان در سیستان
۱۹۵	شهادت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۹۷	مرگ معتصم عباسی
۱۹۹	<b>فصل دوم: تاریخ تحولات مغرب اسلامی و جبهه روم در عصر اول عباسی</b>
۱۹۹	تاریخ تحولات مغرب اسلامی
۲۰۰	نقش خوارج در مغرب
۲۰۱	حکومت صُفریه بنی‌مدرار (۱۵۵-۳۵۲ق)
۲۰۲	حکومت اباضی رستمیان (۱۶۰-۳۹۶ق)
۲۰۳	ادریسیان (۱۷۲-۳۷۲ق)
۲۰۴	اغلیبان در افریقیه (۱۸۴-۳۹۶ق)
۲۰۵	وضعیت جبهه روم در عصر اول عباسی

۲۱۱	فصل سوم: وضعیت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی عصر اول خلافت عباسی
۲۱۱	ساختار تشکیلات اداری - حکومتی
۲۱۱	وزارت
۲۱۳	امارت
۲۱۳	قدرت نظامی در عصر اول عباسیان
۲۱۶	وضعیت اقتصادی
۲۱۷	وضعیت اجتماعی
۲۱۸	اوضاع مذهبی جامعه اسلامی
۲۱۸	وضعیت شیعه
۲۲۰	انشعاب شیعه پس از شهادت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۲۱	انشعاب شیعه پس از شهادت امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>
۲۲۲	زیدیه در عصر اول عباسی
۲۲۲	غالبان در عصر اول عباسی
۲۲۳	مذاهب فقهی اهل سنت
۲۲۳	مذهب حنفی
۲۲۳	مذهب مالکی
۲۲۴	مذهب شافعی
۲۲۴	مذهب حنبلی
۲۲۵	مکاتب کلامی اهل سنت در عصر اول عباسی
۲۲۵	معتزله
۲۲۵	اهل حدیث
۲۲۶	کلابیه
۲۲۶	مشبهه
۲۲۶	پیروان ادیان غیر اسلامی در عصر اول خلافت عباسی
۲۲۶	یهودیان
۲۲۷	مسیحیان
۲۲۷	زرتشتیان
۲۲۸	مانویان
۲۲۹	مزدکیان
۲۳۰	بوداییان
۲۳۰	صابئین
۲۳۱	زنادقه
۲۳۲	فرهنگ و تمدن اسلامی در عصر اول عباسی
۲۳۲	نهیضت ترجمه

۲۳۶	بیت‌الحکمه
۲۳۷	تاریخ‌نگاری در عصر اول عباسی
۲۳۹	علوم طبیعی
۲۳۹	نجوم
۲۴۱	طب
۲۴۲	ریاضی
۲۴۳	شیمی
۲۴۳	علوم اسلامی
۲۴۳	تفسیر
۲۴۳	قرائت
۲۴۳	حدیث
۲۴۴	فقه
۲۴۴	کلام
۲۴۴	علوم عقلی
۲۴۴	فلسفه
۲۴۵	منطق
۲۴۶	هنر در عصر اول عباسی
۲۴۹	<b>منابع و مأخذ</b>
۲۶۵	نمایه‌ها
۲۶۵	نمایه اعلام
۲۷۷	نمایه آثار
۲۷۹	نمایه مکان‌ها

## مقدمه

تاریخ تحولات جهان اسلام در دوران امویان و دوره نخست عباسیان (۴۱-۲۲۷ق) آن هم بر پایه اسناد و مدارک معتبر و مقبول، هدف اصلی پدید آمدن کتاب حاضر است. امویان و عباسیان، امپراتوری گسترده‌ای را تشکیل دادند که عناصر متعددی بر آن اثر گذاشتند و شاهد بنیان اجتماعی و قومی ناهمگونی بودند. امویان طی سال‌های ۴۱ تا ۱۳۲ق بر قلمرو خلافت اسلامی حکمرانی کردند. دوره آنان، دوره‌ای حیاتی در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. در زمان خلافت آنان فتوحات مسلمانان از خاورمیانه تا شمال آفریقا و حتی اسپانیا گسترش یافت. در این دوران تحولاتی پدید آمدند که بی‌تردید در تکوین دین و فرهنگ اسلامی آثاری تعیین‌کننده بر جای گذارند.

امویان به صورت فاتحان مسلمان و سپس با عنوان کارگزاران حکومت مرکزی به سرزمین شام وارد شدند و بعد از آن داعیه خلافت اسلامی را مطرح کردند. و بالأخره در جریان صلح با امام حسن علیه السلام به عنوان خلیفه به خلافت اسلامی دست یافتند. امویان به دلایلی چند در نوشته‌های مورخان با رنگ تیره وصف شده‌اند که بارزترین این علت‌ها عبارت‌اند از:

۱. موضع خصمانه‌ای که بیشتر امویان از آغاز دعوت اسلامی در پیش گرفتند و پرچم مخالفت در برابر دعوت اسلامی را برداشتند و تا فتح مکه حاضر به پذیرش اسلام نشدند؛
۲. درگیری سیاسی و نظامی آنان با اهل بیت علیهم السلام، اوضاع سیاسی پس از قتل عثمان، امویان را وارد درگیری سیاسی و نظامی با اهل بیت علیهم السلام کرد. این درگیری و نزاع احساسات بیشتر مردم را به اهل بیت علیهم السلام متمایل کرد و موجبات تنفر عمومی از اموی‌ها و نافرمانی از آنان را فراهم ساخت؛
۳. جنایت‌هایی مانند حادثه خونین کربلا و حمله به دو شهر مقدس مکه و مدینه، احساسات مسلمانان را برانگیخت و تصویر تیره‌تری در اذهان نقش زد و موجب نافرمانی از برخی خلفای آنان شد.

مباحث مختلفی درباره دوران امویان و تحولات گوناگون آن مطرح است. فرایند اسلامی شدن و عربی سازی، عملکرد شایسته و ناشایست آنان در تحولات دیوانی، مالی و حکومتی، سرشت و روند خلافت آنان، سیمای آنان در آینه اخبار و روایات اسلامی، جنگ‌ها و تفرقه‌های داخلی زمان آنان از جمله آنهاست.

بعد از امویان، عباسیان که بازماندگان عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اسلام ﷺ بودند؛ قدرت را در دنیای اسلام به دست گرفتند و بیش از پنج سده به عنوان جانشین رسول الله ﷺ بر جهان اسلام حکم راندند. آنان کار خود را با دعوت سازمان یافته و تشکیلات منظمی از اوایل سده دوم آغاز کردند و پس از سال‌ها کوشش و تلاش مستمر و به پایمردی ایرانیان، سرانجام به سال ۱۳۲ق به خلافت رسیدند. از آن هنگام تا سال ۶۵۶ق که مغولان بر بغداد دست یافتند؛ خلافت در بین فرزندان عباس با فراز و نشیب ادامه داشت.

پیدایش خلافت عباسی، بیعت صرف با یک خلیفه یا انتقال حکومت از امویان به عباسیان در حاکمیت گروهی اسلامی نیست؛ بلکه نقطه عطف مهمی در سیر تحولات اسلامی به شمار می‌آید که جامعه اسلامی را تغییر داد و باور عمیقی در جهات زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر جای گذاشت و زمینه بروز و ظهور مسلمانان غیر عرب را فراهم آورد. دوران خلافت عباسیان به چهار دوره تقسیم شده است:

۱. عصر اول عباسیان: عصر نیرومندی، گسترش و شکوفایی در میان سال‌های ۱۳۲ تا ۲۲۷ق؛

۲. عصر دوم عباسیان: دوران نفوذ عنصر ترک در میان سال‌های ۲۲۷ تا ۳۳۴ق؛

۳. عصر سوم عباسیان: دوران نفوذ آل‌بویه ایرانی در میان سال‌های ۳۳۴ تا ۴۴۷ق؛

۴. عصر چهارم عباسی: دوران نفوذ سلجوقیان ترک میان سال‌های ۴۴۷ تا ۶۵۶ق؛

این کتاب در بخش عباسیان، به تحولات عصر اول عباسیان می‌پردازد. این دوران عصر اقتدار و قدرت و شکوفایی و نیرومندی عباسیان است. در این عصر ایرانی‌ها در بسیاری از کارها سیطره داشتند و از آغاز دوره منصور وزیران و فرماندهان ایرانی عهده‌دار کارها بودند تا اینکه هارون به دفع وزیران برمکی پرداخت. پس از پیروزی مأمون بر برادرش امین، بار دیگر کفه قدرت به نفع ایرانیان سنگین شد و بنی‌سهل از خاندان‌های ایرانی، جایگاه بلندی در دوران مأمون به دست آوردند. معتصم به این باور رسید که باید عنصر جدیدی را به صحنه آورد و به آنان اعتماد کند از این رو اطرافیان، کارگزاران و فرماندهانش را از ترکان برگزید و بدین وسیله بر نفوذ ایرانیان غلبه کرد.

این کتاب براساس سرفصل‌های درس تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جهان اسلام از سال ۴۱ تا ۲۲۷ق در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول با نام تحولات جهان اسلام در عصر بنی‌امیه، تحولات این دوره را در سه فصل بررسی و تحلیل می‌کند.

فصل اول، تاریخ سیاسی عصر خلافت بنی‌امیه؛

فصل دوم، فتوح عصر اموی در جبهه‌های شرقی و مغرب؛

فصل سوم، وضعیت اداری، اجتماعی و مذهبی عصر خلافت اموی.

بخش دوم به تاریخ تحولات جهان اسلام در عصر اول خلافت بنی‌عباس در سه فصل اختصاص دارد.

فصل اول، تاریخ سیاسی عصر اول خلافت عباسی، از آغاز دعوت تا پایان خلافت معتصم؛

فصل دوم، تاریخ تحولات مغرب اسلامی در عصر اول عباسی؛

فصل سوم، وضعیت اداری، اجتماعی و مذهبی عصر اول خلافت عباسی.

در پایان لازم می‌دانیم از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به ویژه مدیر فرهیخته گروه تاریخ جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی که زمینه انتشار این اثر را فراهم ساختند، سپاسگزاری کنیم. در این مجال فرصت را مغتنم می‌شماریم و از کارشناس گروه تاریخ جناب آقای اسماعیل یارمحمدی که در طول انجام پژوهش ما را همراهی کردند و افزون بر این روخوانی نهایی متن و نمایه‌گیری اثر را نیز بر عهده داشتند، تشکر کنیم.

محمدعلی چلونگر

پروین اصغری





## بخش اول

### تاریخ تحولات قلمرو اسلامی در عصر بنی‌امیه

دوره امویان، از اعصار مهم تاریخ اسلام به شمار می‌آید؛ زیرا در این دوره، مرزهای قلمرو اسلام به لحاظ جغرافیایی از شرق تا آسیای میانه و از غرب تا اقیانوس اطلس گسترش یافت و از نظر فرهنگی، سیاست خلفای اموی در کوچ قبایل عرب به مناطق مختلف جهان اسلام و عربی کردن دیوان‌ها و مسکوکات؛ به اغلب سرزمین‌های مفتوحه، رنگ عربی بخشید و از نظر سیاسی - دینی، خلافت اسلامی به نظام سلطنتی موروثی تبدیل شد.

معاویه، بنیانگذار این سلسله، که در عهد خلافت عمر، از سوی این خلیفه به ولایت شام منصوب شده بود؛ پس از به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام و مقابله امام با کسانی که اموال عمومی را تصاحب کرده بودند؛ موقعیت خویش را در خطر دید؛ از بیعت با آن حضرت سر باز زد و حکومت مستقل اموی را در شام در برابر خلافت علوی آغاز کرد. در نهایت معاویه توانست در زمان خلافت امام حسن علیه السلام، طی معاهده صلحی با آن امام، فرمانروای مطلق ممالک اسلامی شود. معاویه و جانشینان وی را به دلیل انتساب به جدشان امیه، اموی یا بنی‌امیه می‌نامند. چهارده تن از افراد این خاندان ۹۱ سال (۴۱ تا ۱۳۲ق) بر ممالک اسلامی حکومت کردند. این خاندان به دو شعبه تقسیم شدند:

شعبه نخست؛ آل‌سفیان: معاویه، یزید، معاویه دوم؛

شعبه دوم؛ آل‌مروان: مروان بن حکم و فرزندان و نوادگان او.

خلیفه	مدت خلافت	رویدادهای مهم
معاویة بن ابی سفیان	۴۱-۶۰ ق/۶۶۱-۶۸۰ م	شورش های خوارج، مقابله با شیعیان، شهادت امام حسن <small>علیه السلام</small> ، طرح و ثبوت ولیعهدی پسرش یزید
یزید بن معاویة	۶۰-۶۴ ق/۶۸۰-۶۸۳ م	قیام کربلا — واقعه حره — حمله به مکه
معاویة بن یزید	۶۴ ق/۶۸۴ م	تشکیل خلافت زبیریان در حجاز — پایان قدرت سفیانیان
مروان بن حکم	۶۴-۶۵ ق/۶۸۴-۶۸۵ م	برگزاری کنگره جابیه و آغاز قدرت مروانیان — نبرد مرج الراهط — قیام توابین — قیام مختار ثقفی — قیام خوارج نجدیه در یمامه
عبدالملک بن مروان	۶۵-۸۶ ق/۶۸۵-۷۰۵ م	سرکوب قیام توابین، شکست قیام مختار، پایان خلافت زبیری، شورش عمرو بن سعید، شورش های خوارج ازارقه، صفریه، یمامه و شورش عطیة بن اسود حنفی، شورش ابن اشعث، شورش اهل بصره، شورش ازد در عمان، شورش زنگیان، شهادت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
ولید بن عبدالملک	۸۶-۹۶ ق/۷۰۵-۷۱۵ م	گسترش قلمرو اسلام از غرب تا اسپانیا و از شرق تا ماوراءالنهر
سلیمان بن عبدالملک	۹۶-۹۹ ق/۷۱۵-۷۱۷ م	مرگ ابوهاشم و انتقال رهبری کیسانیه به آل عباس
عمر بن عبدالعزیز	۹۹-۱۰۱ ق/۷۱۷-۷۲۰ م	جلوگیری از دریافت جزیه از نومسلمانان، منع کاربرد لفظ موالی برای غیر عرب، توقف فتوحات، فرمان کتابت حدیث، بازگرداندن فدک به فرزندان فاطمه <small>علیها السلام</small> ، منع سب و لعن علی <small>علیه السلام</small> بر منابر، دادن عطا به علویان، مذاکره با شوذب خارجی، اصلاحات سیاسی و مالی، آغاز دعوت عباسیان در سال ۱۰۰ ق
یزید بن عبدالملک	۱۰۱-۱۰۵ ق/۷۲۰-۷۲۴ م	قتل شوذب خارجی، شورش یزید بن مهلب
هشام بن عبدالملک	۱۰۵-۱۲۵ ق/۷۲۴-۷۴۳ م	قیام زید بن علی، قیام خوارج، فعالیت داعیان عباسی، شهادت امام محمدباقر <small>علیه السلام</small>
ولید بن یزید	۱۲۵-۱۲۶ ق/۷۴۳-۷۴۴ م	قیام یحیی بن زید، کشته شدن ولید بن یزید
یزید بن ولید (یزید ناقص)	۱۲۶ ق/۷۴۴ م	قیام مردم حمص، قیام مردم فلسطین و اردن، شورش مروان بن محمد، قیام عبدالله بن معاویة، کنفرانس ابواء، گسترش قیام عباسیان
مروان بن محمد (مروان حمار)	۱۲۷-۱۳۲ ق/۷۴۴-۷۵۰ م	جنبش های داخلی در خاندان اموی: حرکت عبدالله بن عمر، حرکت سلیمان بن هشام — منازعات قبیله ای: شورش حمص، شورش غوطه، شورش فلسطین — ناآرامی های عراق — جنبش خوارج، قتل ابراهیم امام، پایان کار عبدالله بن معاویة، شکست زاب و پایان کار امویان.

## فصل اول

### تاریخ سیاسی عصر خلافت بنی‌امیه

سلسله اموی از سوی آل‌سفیان، از تیره بنی‌امیه قریش بنیان نهاده شد. از این‌رو این شعبه از خلفای اموی را سفیانیان می‌نامند. به‌رغم تأسیس خلافت از سوی سفیانیان، تنها سه تن و به مدت ۲۳ سال (۴۱-۶۴ق) حکومت کردند و بخش اعظم مدت حکمرانی امویان بر جهان اسلام (۷۸ سال) به مروانیان، شعبه دیگر این خاندان، تعلق دارد.

#### معاویه بن ابی‌سفیان، بنیان‌گذار حکومت اموی (۴۱-۶۰ق)

بنی‌امیه یکی از تیره‌های بزرگ قبیله قریش بودند که در عهد جاهلی به دلیل تجارت با شام و یمن، در مکه صاحب ثروت و مکنت گردیدند. در آستانه ظهور اسلام، سران بنی‌امیه از جمله ابوسفیان که برجسته‌ترین شخصیت آنان بود؛<sup>۱</sup> از هر گونه خدعه و نیرنگی نسبت به اسلام و شخص رسول الله ﷺ دریغ نورزیدند، ولی سرانجام وقتی از شکست دادن رسول الله ﷺ عاجز ماندند؛ کوشیدند اسلام را از دریچه رقابت‌های قبیله‌ای و در جهت کسب امتیازهای کلان مادی و قدرت سیاسی بپذیرند؛ چنان‌که ابوسفیان و خاندان او در روزگار پس رسول الله ﷺ در پی اهداف خاص خود بودند. از این‌رو، در عملیات فتوح دوران خلافت ابوبکر و عمر فعالانه شرکت جستند. یزید و معاویه، فرزندان ابوسفیان، در فتح برخی مناطق شام امیر سپاه بودند و بعدها در عهد خلیفه دوم به امارت آنجا دست یافتند.<sup>۲</sup> با رسیدن عثمان بن عفان به خلافت که از تیره بنی‌امیه بود؛ امویان نفوذ و قدرت خود را گسترش دادند.

۱. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۲، ص ۷۱۴.

۲. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۳۸۷، ۶۰۴ و ۶۰۵؛ ج ۴، ص ۶۲، ۶۴ و ۶۷.

چنان که ابوسفیان نیز پس از انتخاب عثمان در جمع امویان گفت: خلافت را همچون گوی میان خود بگردانید.<sup>۱</sup> عثمان هر کجا سرزمین آبادی بود به ملک بنی امیه درآورد. گویند وقتی سعید بن عاص، حاکم اموی عراق، زمین های عراق را، که بیشتر با شمشیر قبایل یمنی فتح شده بود، بستان قریش نامید؛ فریاد اعتراض مردم کوفه برخاست و مخالفت های خود را با عثمان آغاز کردند.<sup>۲</sup>

پس از کشته شدن عثمان و خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، معاویه بن ابی سفیان به بهانه خونخواهی عثمان با آن حضرت بیعت نکرد و به مخالفت برخاست. معاویه که از زمان فتح شام، ولایت این سرزمین را به دست آورده بود و با آزادی عملی که در عهد عثمان کسب کرده بود؛ در این مجال چشم طمع به ردای خلافت دوخت. همین امر باعث شد تا امام علی علیه السلام در زمان خلافتش در مواجهه با وی، مشکلاتی بسیار داشته باشد. امام علی علیه السلام پس از جنگ جمل، رهسپار شام شد تا خطر معاویه را دفع کند. دو سپاه در صفین روبه رو شدند و پس از جنگی فرسایشی، زمانی که نزدیک بود امام علی علیه السلام و یارانش در جنگ پیروز شوند با حيله های عمروعاص، مشاور معاویه سپاهیان امام علی علیه السلام بر امام شوریدند و کار به «حکمیت» کشید و سرانجام به نفع امام علی علیه السلام تمام نشد و چندی بعد در حالی که امام علی علیه السلام در حال تدارک جنگی دوباره با معاویه بود در مسجد کوفه به شهادت رسید. پس از شهادت امام علی علیه السلام، به موجب وصیت آن حضرت و بیعت مردم، حسن بن علی علیه السلام متصدی امر خلافت شد، ولی معاویه آرام ننشست و به سوی عراق، مقر خلافت بود؛ لشکر کشید و با حسن بن علی علیه السلام به جنگ پرداخت. دلایل متعددی از جمله ناهمگونی سپاه امام حسن علیه السلام و سستی مردم در حمایت از وی، خیانت برخی سران قبایل کوفه و درنهایت حفظ تشیع از خطر انحلال و سقوط،<sup>۳</sup> امام را ناگزیر به امضای صلح با معاویه ساخت.<sup>۴</sup>

سرانجام معاویه در سال ۴۱ق به خلافت دست یافت. وی مدت ده سال بر جهان اسلام بلامنازع سلطه داشت. در این مدت، اساس خلافت تغییر یافت و سنت نبوی دگرگون شد و خلافت اسلامی آشکارا به نظام سلطنتی تبدیل گردید. نه تنها روش پادشاهان روم و ایران را به کار بردند، بلکه خلفای اموی را با القاب آنان می خواندند.<sup>۵</sup>

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۱۲.  
 ۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۰۸.  
 ۳. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۱۷.  
 ۴. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۳، ص ۴۰۵؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۷۰.  
 ۵. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۲.

در یک جمع‌بندی می‌توان در روند قدرت‌یابی معاویه از حضور در نبرد یمامه تا تأسیس حکومت اموی، به علل و زمینه‌های ذیل اشاره نمود:

۱. **فتوح اسلامی بستری برای دستیابی مجدد آل‌امیه به قدرت و ثروت:** بطون (طایفه‌ها) سرشناس قریش در عهد جاهلی همچون بنی‌امیه و بنی‌مخزوم، در جریان ظهور اسلام به علت دشمنی و مقاومت در برابر آیین اسلام تا زمان فتح مکه، سال‌های نخست هجری در عرصه سیاست و قدرت در مواجهه با جریان‌های میانی قریش همچون بنی‌تیم و بنی‌عدی به حاشیه رانده شدند. اما با آغاز فتوح در دوره خلافت ابوبکر، فرصتی به این بطون داده شد تا جایگاه و موقعیت پیشین خویش را در قالب مجاهدان عرصه فتوح احیا کنند. پس از رحلت رسول خدا ﷺ و به خلافت رسیدن ابوبکر، معاویه به همراه برادرش یزید، از سوی خلیفه به شام گسیل شد. معاویه در نبرد یمامه و در جریان فتح شهرهای سواحل شرق مدیترانه حضور داشت. آن دو موفق به جلب نظر و اعتماد خلفا شدند؛ چنان که یزید پس از فتح دمشق، حکمرانی آن ولایت را دریافت کرد و معاویه مشاور و دبیر وی شد. خلیفه دوم، یزید را حاکم سرزمین شام کرد و معاویه را استانداری اردن گمارد. در سال ۱۸ق، یزید در حادثه طاعون عمواس درگذشت و معاویه از سوی عمر، جانشین برادرش شد. در زمان خلیفه سوم، حکومت شام همچنان در اختیار معاویه باقی بماند.<sup>۱</sup> به این صورت معاویه در زمان خلفای سه‌گانه، به تدریج در شام، نفوذ کرد و قدرت یافت.

۲. **خلافت عثمان بن عفان، مقدمه حضور بنی‌امیه در رأس امور جامعه اسلامی:** با روی کار آمدن عثمان خلافت در دست خاندان اموی، که چهره سیاسی قریش بودند، قرار گرفت. در این زمان، عثمان نماینده آنها به شمار می‌آمد و آنان بسیار به او علاقه داشتند؛ چنان که در مثل گفته‌اند: «أحبك والرحمن حبَّ قریش عثمان؛ به خدای رحمان، قسم تو را آنچنان دوست دارم که قریش، عثمان را». <sup>۲</sup> عثمان در مقدمه چینی برای قدرت‌یابی معاویه نقش بسزایی داشت. وی معاویه را با اختیار تام بر حکومت شامات ابقا کرد. چنان که یکی از علل شورش علیه عثمان، واگذاری مناصب حکومتی به بنی‌امیه بود که اغلب افرادی با سوابق بد بودند. عمر نیز پیش‌بینی کرده بود که اگر عثمان به خلافت رسد، بنی‌امیه را بر مردم مسلط خواهد کرد.<sup>۳</sup> ابن سعد مدعی است عمر به عثمان سفارش کرده بود که در صورت تصاحب خلافت نباید پسران ابن‌ابی‌معیط را بر مردم

۱. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۷۴.

۲. ابن‌شبه نمیری بصری، تاریخ المدینة المنوره، ج ۲، ص ۹۳۵.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۸.

مسلط کند.<sup>۱</sup> در واقعه شورش مسلمانان علیه عثمان، با وجود استمداد خلیفه از معاویه و استطاعت وی برای یاری عثمان؛ چنان تعلق ورزید تا عثمان کشته شد. درباره تعلق وی دو احتمال وجود دارد: اینکه خود چشم طمع به حکومت داشت، یا اینکه می‌خواست با احتراز از این جریان‌ها، موقعیت خویش را در شام از گزند تندباد این وقایع حفظ نماید.

۳. گرایش جامعه اسلامی به جاه‌طلبی و مال‌اندوزی بر اثر غنائم حاصل از فتوح: در روزگار خلافت عمر، تقسیم بیت‌المال براساس سوابق اسلامی افراد و امتیازهای قبیلگی قرار داشت. این روند در زمان عثمان نیز ادامه یافت. با کشته شدن عثمان، حضرت علی علیه السلام در سال ۳۶ ق به رگم میل باطنی خویش از جانب مردم به خلافت برگزیده شد. امام علی علیه السلام روش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تقسیم اموال به صورت مساوی اجرا کرد؛ ولی در این مسیر متحمل شورش‌ها و جنگ‌های داخلی شد. امام در وهله اول معاویه را از امارت شام عزل کرد و پیشنهاد اطرافیان را برای سازش و ابقای معاویه نپذیرفت. معاویه نیز در جهت حفظ موقعیت خویش، به بهانه خونخواهی عثمان و پس از جلب نظر بزرگان شام و کسب بیعت از مردم شام، سال ۳۷ ق در منطقه صفین با علی علیه السلام وارد جنگ شد. در این جنگ نخست هزیمت به جبهه معاویه افتاد، ولی با پیشنهاد عمرو بن عاص، سپاهیان شام قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کردند و حکمیت مطرح شد. نتیجه حکمیت خلع علی علیه السلام از خلافت و تحکیم حکومت معاویه در شام بود.<sup>۲</sup> می‌توان مسئله مال و مقام را از علل سستی مردم در همراهی با حضرت علی علیه السلام دانست. زیرا علی علیه السلام در تقسیم بیت‌المال کسی را بر دیگری برتری نمی‌داد و در مناصب به شایستگی افراد توجه می‌کرد. این شیوه خوشایند اشراف و شیوخ قبایل نبود؛ در حالی که روش معاویه این‌گونه نبود.<sup>۳</sup> وی از گرایش مردم به مال‌اندوزی و جاه‌طلبی برای تحقق اهداف خویش سود جست و همواره از راه‌های تطمیع و صرف اموال فراوان میان یاران و مصاحبان امام و نیز رؤسای قبایل، به ویژه قبایل قیسی و یمانی، وارد عمل می‌شد و حتی وعده حکومت ولایات را به بزرگان قبایل می‌داد؛ مثل قیس بن قره از قبیله بنی تمیم و قیس بن یزید از بنی ذهل که از صف یاران علی علیه السلام جدا شدند و به معاویه پیوستند.<sup>۴</sup> تحریک حس جاه‌طلبی طلحه و زبیر در برابر امام علی علیه السلام، قرار دادن مصر به عنوان پاداش برای عمرو بن عاص، تطمیع عبیدالله بن عباس، فرمانده سپاه امام حسن علیه السلام و...، نمونه‌هایی از گرایش جامعه به کسب ثروت و حس جاه‌طلبی است.

۲. رک: دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۹۲-۲۴۰.

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۴۴.

۴. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۳۶.

۳. ابن اعثم، کتاب الفتوح، ص ۷۵۶.

۴. ویژگی‌های شخصیتی و شیوه سیاست معاویه: از عوامل قدرت‌یابی معاویه، ویژگی‌های شخصیتی او بود. معاویه ظاهر خود را حفظ می‌کرد و می‌کوشید بدعت‌ها و اقداماتش را رنگ دین بزند. وی در برابر خلافت علوی از هر ابزار مشروع و نامشروعی برای تحقق اهدافش سود جست. چنان که برای مخالفت با امام علی علیه السلام قتل عثمان را بهانه کرد و در جریان حکمیت موقعیتش را به نام دین محکم ساخت.

معاویه که از زمان قتل عثمان، به خلافت چشم دوخته بود، پس از شهادت علی علیه السلام، موقعیت را برای تحقق آمال و آرزوهای خویش مهیا دید. از این رو، همزمان با بیعت مردم عراق با امام حسن علیه السلام، اهالی شام معاویه را خلیفه خویش خواندند. نخستین بار اهالی حمص، پیش از عزیمت به صفین، با معاویه به عنوان خلیفه بیعت کردند.<sup>۱</sup> امام حسن علیه السلام به مقابله با او برخاست. بخشی از سپاه امام تحت فرماندهی عبیدالله بن عباس و قیس بن سعد در مسکن اردو زدند و بقیه سپاه تحت رهبری امام عازم مدائن شدند تا از آن منطقه نیروی کمکی دریافت کنند. معاویه از جدایی دو لشکر استفاده کرد و از طریق تطمیع فرماندهان و شایعه‌پراکنی در دو اردوگاه (مسکن و ساباط)، نتیجه جنگ را به سود خویش رقم زد. وی توانست عبیدالله را با وعده یک میلیون درهم به سوی خود کشاند. از سوی دیگر مغیره بن شعبه و عبدالله بن عامر را به ساباط فرستاد تا درباره صلح با امام سخن بگویند. آن دو چون از مذاکرات نتیجه‌ای به دست نیاوردند زیر لب برای تحریک خوارج به گونه‌ای که مردم بشنوند، گفتند: «خدا به وسیله فرزند پیامبر خون مردم را حفظ کرد و فتنه را به واسطه او آرام ساخت و صلح را پذیرفت». این سخن باعث شورش در سپاه امام شد.<sup>۲</sup> گروهی از مردم قبیله‌های ربیع و همدان به یاری امام شتافتند و مردم را از اطراف حضرت دور کردند. در میان راه، جراح بن سنان که از نظر فکری متمایل به خوارج بود، امام را مشرک خواند و ران پای امام را مجروح کرد. در ایجاد تصور شرک امام در ذهن خوارج، نیرنگ معاویه مؤثر واقع شد. معاویه پس از پیمان صلح، در میان مردم کوفه خطبه‌ای خواند و آشکارا گفت: به هیچ یک از مواد صلح وفا نخواهد کرد و هدفش از جنگ با آنها برای حکومت بوده است و با این سخنان، پرده از نیات واقعی خویش برداشت.<sup>۳</sup>

۱. ابن قتیبه دینوری، الإمامة والسیاسة المعروف بتاريخ الخلفاء، ص ۱۲۲؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۳۱.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۵؛ به گزارش برخی منابع معاویه این خطبه را پیش از ورود به کوفه ایراد کرد (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۵).

۵. **تحلیل جبهه نظامی خلافت علوی:** با وجود غلبه امام علی علیه السلام بر جملیان و نهروانیان، نیروی نظامی جبهه علوی، به‌ویژه بر اثر حملات ایذائی ایادی معاویه به قلمرو خلافت اسلامی، رو به تحلیل رفت به طوری که پس از نهروان، مردم از بسیج سپاه خودداری و از جنگ اظهار خستگی کردند. برای امام حسن علیه السلام نیز ثابت شده بود که با وجود چنین سپاه ناهماهنگ<sup>۱</sup> و خسته از جنگ نمی‌توان با معاویه مقابله کرد و اصرار بر جنگ جز شکست و ریخته شدن خون مسلمانان، نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ پس امام طی عهدنامه صلحی، خلافت را با شروطی به معاویه واگذار کرد.<sup>۲</sup>

۶. **خصوصیات شخصیتی مردم شام:** اهالی شام از ابتدا به واسطه فرهنگ اموی با اسلام آشنا شده بودند و مردمانش نه رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیده و نه از سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی شنیده بودند و تنها اسلام را از زبان بنی‌امیه دریافته بودند. چنان که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله، خویشاوندی جز بنی‌امیه نمی‌شناختند و خلافت امویان را الهی و به خواست خداوند می‌دانستند. این مطلب را امویان در گوش شامیان خوانده بودند. همچنین معاویه افزون بر تحریک احساسات مذهبی شامیان، با احادیثی جعلی همچون معرفی شام به عنوان سرزمین برگزیده خدا، حس ناسیونالیستی/ ملی‌گرایی آنان را در برابر عراق و حجاز برمی‌انگیخت. از سویی، معاویه با جلوگیری از آمد و شد محدثان دیگر سرزمین‌ها به شام، منع کتابت و نقل احادیث در شام و در مقابل ترویج اسرائیلیات و قصه‌پردازی و ممانعت از خروج و اقامت طولانی مدت شامیان در دیگر بلاد به حصر فرهنگی شامیان پرداخت. این دغدغه معاویه در وصیت وی به یزید درباره مردم شام نیز به چشم می‌خورد. بر این اساس، برنامه تبلیغاتی معاویه در شام چنان عمیق و دقیق پایه‌ریزی شد که تا نیم قرن پس از آن، شامیان همچنان طرفدار عثمان و بنی‌امیه باقی ماندند؛ شاهد این سخن آثار مکتب تاریخ‌نگاری شام است که گرایش اموی دارند.

۱. سپاه امام حسن علیه السلام متشکل از گروه‌های مختلفی بود، شیعیان، خوارج، افراد سودجو و دنیاپرست، افراد شکاک و دودل و کسانی که براساس تعصب قبیله‌گی و به پیروی از رئیس قبیله خود، برای جنگ حاضر شده بودند (مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۳-۱۵؛ ابن صباغ، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۷۲۰).

۲. مفاد پیمان صلح، ۱. معاویه براساس کتاب خدا و سنت پیامبرش و سیره خلفای صالح رفتار کند؛ ۲. برای پس از خویش کسی را جانشین نکند و انتخاب خلیفه را به شورا واگذارد؛ ۳. مردم در هر جا هستند بر مال و جان و خانواده‌شان ایمن باشند؛ ۴. هیچ دشمنی و ستیز پنهان و آشکاری علیه حسن بن علی علیه السلام صورت نگیرد؛ ۵. هیچ‌یک از صحابه او به هراس نیفتند (طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۷، ص ۲۷۱۸؛ ابن‌اعثم، کتاب الفتوح، ص ۷۶۵؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۸۴).



۷. خصوصیات شخصیتی مردم عراق و حجاز: سرزمین عراق به‌رغم دارا بودن ترکیب قومیتی و نژادی مختلف از عرب‌های محلی و عرب‌های مهاجر عدنانی و یمنی و موالی ایرانی، بر سر یک مسئله اتفاق نظر داشتند و آن مقابله با سلطه شام بر عراق بود و این مسئله ریشه در دوران پیش از اسلام و تقابل غسان و حیره داشت و از جمله علل گرایش عراقیان به علی علیه السلام، آگاهی آنان از تقابل موضع علی علیه السلام با معاویه بود؛ معاویه‌ای که اکنون شام را یکی از مراکز قدرت سرزمین اسلامی ساخته و در پی سلطه بر عراق بود. با وجود این، اشراف و شیوخ عراقی سیاست عدالت اقتصادی و اجتماعی امام را برناتفتند و در غلبه نهایی امام علی علیه السلام بر معاویه در نبرد صفین، امام را رها ساخته و جبهه معاویه را تقویت کردند و در جریان حکمیت با تحمیل ابوموسی اشعری که سابقه دشمنی او با امام بر همگان آشکار بود، در واقع راه پیروزی امام را بر معاویه بستند و غلبه شام بر عراق را قطعی ساختند. اما حس انزجار و تنفر عراقیان از امویان و شامیان همچنان پابرجا ماند؛ چنان که پس از بی‌وفایی‌ها که در حق امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام کردند؛ بار دیگر برای آمدن امام حسین علیه السلام به عراق و جنگ تحت لوای آن حضرت اصرار ورزیدند.

اهل حجاز به‌خصوص اهالی مدینه، اغلب از امویان بیزار بودند، ولی جبهه خلافت علوی را نیز تقویت نکردند؛ چنان که وقتی امام علی علیه السلام برای جنگ با جملیان از مدینه عازم بصره شد تنها هفتصد نفر از مدینه با وی همراه شدند. علت این امر گرایش حجاز به جناح میانی قریش بود. از این رو آنان نه به معاویه پیوستند و نه ائمه اطهار علیهم السلام را یاری رساندند.

معاویه به دلیل تنفر و انزجار مردم عراق و حجاز از وی و امویان و در جهت مشروعیت بخشیدن به قدرت خویش، القابی چون کاتب وحی<sup>۱</sup> و خال المؤمنین<sup>۲</sup> و مجاهد مسلمان و... بر خویش نهاد.

### وقایع دوره حکمرانی معاویه

معاویه سال ۴۱ق بر مسند خلافت تکیه زد و آن سال را «عام الجماعة» نامید؛ زیرا به عقیده وی امت اسلامی به‌استثنای خوارج، با یک خلیفه بیعت کرده‌اند و جماعت صورت گرفته است. در حالی که باید آن سال را سال تفرقه و زور و ظلم نام نهاد. سالی که خلافت مبدل به سلطنت

۱. معاویه چند ماه پیش از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله به امر نویسندگی ایشان اشتغال داشته است (مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۳۰).

۲. أم حبیبه (ام المؤمنین)، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، خواهر معاویه بود. از این رو، معاویه خود را (دایی مؤمنان) می‌خواند.

کسرائی و قیصری شد.<sup>۱</sup> معاویه حدود بیست سال بر جهان اسلام سلطه بلامنازع داشت. در این مدت، اساس خلافت تغییر یافت و سنت نبوی دگرگون و روش پادشاهان روم و ایران اعمال شد و خلفای اموی را نیز با القاب آنان خوانده شدند.<sup>۲</sup>

معاویه برای تثبیت و افزایش اقتدار خویش از عمرو بن عاص، زیاد بن ابیه<sup>۳</sup> و مغیره بن شعبه بهره جست. به گواه تاریخ، این سه تن، از سیاستمداران عرب به شمار می‌آمدند و کنترل بر اوضاع داخلی و استمرار فتوح و حفظ ولایات مفتوحه، استمداد از چنین افرادی را اقتضا می‌کرد. شیعیان و خوارج از مخالفان حکومت معاویه به شمار می‌آمدند؛ از این رو، وی به مقابله با این دو گروه برخاست.

### شورش‌های خوارج

آغاز پیدایش خوارج به زمان خلافت علی علیه السلام و واقعه حکمیت پس از جنگ صفین بازمی‌گردد. آنان نخست فریب نیرنگ عمرو بن عاص را خوردند و علی علیه السلام را مجبور به پذیرش حکمیت کردند؛ ولی پس از اعلام مفاد حکمیت، از کرده خود پشیمان شده و امام را به خاطر پذیرش حکمیت، مرتکب گناه شمردند و در نبرد نهروان رویاروی علی علیه السلام ایستادند که جز ده تن از آنها زنده نماندند؛ ولی همین عده هسته اولیه خوارج را پس نهادند. ابن ملجم از خوارجی بود که علی علیه السلام را به شهادت رساند. خوارج، بعد از جنگ نهروان یک گروه یا حزب متحد نبودند؛ بلکه از گروه‌های مختلف با افکار و عقاید متفاوت تشکیل شدند. چنان که نهروان اولین و تنها جنگی بود که خوارج به صورت متحد و در برابر دشمن واحدی قرار داشتند.

بعد از انعقاد پیمان صلح، خوارج کوفه به رهبری فروة بن نوفل با صلح مخالفت کرده و بر معاویه شوریدند، اما سرکوب شدند. در ایام امارت مغیره بر کوفه به سال ۴۳ق، شورش خوارج

۱. جاحظ، الرسائل السياسية، ص ۳۴۴.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳. معاویه، زیاد را برادر خویش خواند. به گزارش برخی منابع (ابن ابی حدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۸۰؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۳۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۹، ص ۱۸۰) زیاد پسر ابوسفیان نبود و معاویه با این حيله، خواست زیاد را به خود نزدیک سازد و از او بهره ببرد. زیاد در استحکام پایه‌های خلافت اموی تأثیر بسیاری داشت. اولین کسی بود که برای خود گارد محافظ تشکیل داد. وی سال‌ها حاکم عراقین بود و حتی در روزهای پایانی عمرش حکومت حجاز را نیز دریافت کرد؛ وی به سال ۵۳ق در کوفه بر اثر طاعون مرد (طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۲۴۲؛ نویری، نهاية الأرب، ج ۲۰، ص ۳۴۳؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۲۴-۵۳۰).

به رهبری مستورد بن علفه در مواجهه با سپاه مغیره به فرماندهی معقل بن قیس، در منطقه مذار در نزدیکی کوفه، سرکوب و مستورد کشته شد.<sup>۱</sup> خوارج مجدد در سال ۵۸ق به رهبری حیان بن ظبیان قیام کردند ولی همگی در جنگ «بانقیاء» کشته شدند.<sup>۲</sup> قیام خوارج در کوفه راه به جایی نبرد؛ زیرا کوفیان گرایش به آل‌علی علیه السلام داشتند و نه تنها در جبهه خوارج، بلکه در مقابل آنان قرار داشتند.

در بصره، خوارج به فرماندهی سهم بن غالب و خطیم باهلی در سال ۴۱ق شورش کردند.<sup>۳</sup> عبدالله بن عامر آنها را سرکوب کرد؛ ولی نرم‌خویی و مدارای وی، سبب جرأت و فتنه‌گری خوارج می‌شد. از این‌رو، معاویه او را عزل کرد و زیاد بن ابیه را بر بصره گماشت. زیاد در بدو ورود، خطبه معروف «بترأء»<sup>۴</sup> را خواند و اهالی بصره را تهدید کرد. مردم چنان از زیاد ترسیدند که کسی جرأت برپایی اغتشاش و ناامنی نداشت.

### مقابله با شیعیان

معاویه سیاست اصلی خویش را با مقابله با شیعیان قرار داد؛ چرا که شیعیان، مدعیان اصلی خلافت بودند و بی‌تردید خطر آنان قابل مقایسه با خوارج نبود، زیرا خوارج به سبب کافر دانستن همگان و رفتار خشن و بی‌رحمانه خویش، فاقد پایگاه مردمی شده بودند. اما شیعیان، دارای پشتوانه والای انسانی و معنوی اهل بیت علیهم السلام بودند. در این زمان عراق کانون محبان اهل بیت علیهم السلام بود و معاویه و کارگزارانش به شکل‌های گوناگون، از روش سازش و مدارا گرفته تا سختگیری‌های شدید، با جریان شیعه مقابله می‌کردند که البته رفتار نوع دوم بسیار شایع‌تر بود.

۸. تخریب چهره حضرت علی علیه السلام: یکی از رایج‌ترین شیوه‌های امویان در مقابله با شیعه، ایجاد بی‌زاری نسبت به علی علیه السلام در میان مردم بود. زیرا سیره و حیات علی علیه السلام چه در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و چه پس از رحلت ایشان، از جهت علمی و عملی، عظمتی خاص از حضرت علی علیه السلام در اذهان مردم بر جای نهاده بود. از این‌رو، امویان با طرح اتهام قتل عثمان به امام علی علیه السلام و سپس ترویج سنت لعن و سب ایشان بر منابر و مساجد در سراسر سرزمین‌های اسلامی و معرفی

۱. رک: طبری، همان، ج ۵، ص ۱۸۱-۲۰۹.

۲. همان، ص ۳۰۹.

۳. ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۱۸.

۴. خطبه‌ای را که با حمد و ثنا خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله شروع نشود بترأء (دم‌بریده) خوانند (جاحظ، البیان والتبیین، ج ۲، ص ۸۹).

ایشان به عنوان عنصری جنگ طلب، خونریز و...، کوشیدند چهره امام را مخدوش سازند. سب و لعن علی علیه السلام در دوره معاویه و جانشینان او همچون یک سنت ادامه داشت. تا آنکه در سال ۱۰۰ق عمر بن عبدالعزیز آن را ممنوع ساخت.<sup>۱</sup> افزون بر این، امویان کوشیدند با جعل احادیث، خلفای ثلاث را بر وی برتری دهند. به همین دلیل برخی بر این باورند که بیشتر احادیث درباره فضایل صحابه، در روزگار امویان ساخته شده است؛ زیرا جاعلانی همچون عمرو بن عاص، مغیره بن شعبه، ابوهریره، عروة بن زبیر، بدین وسیله به بنی امیه تقرب می جستند. گفته شده معاویه ۴۰۰ هزار درهم به سمرة بن جندب داد تا بگوید آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ»<sup>۲</sup> درباره علی علیه السلام و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»<sup>۳</sup> درباره ابن ملجم نازل شده است.<sup>۴</sup>

۹. گماشتن والیان ضد شیعی بر عراق: معاویه، مغیره بن شعبه را، که مردی فاسد و دشمن شیعیان بود، بر کوفه — مرکز طرفداران اهل بیت علیهم السلام؛ حاکم ساخت. مغیره نه سال بر کوفه حکومت راند و برای خوشایند معاویه بر شیعیان و طرفداران علی علیه السلام سخت گرفت. پس از او، معاویه زیاد بن ابیه را بر کوفه و بصره گماشت. زیاد که یاران علی علیه السلام را می شناخت، به کشتار و نابودی آنان اقدام کرد.<sup>۵</sup> وی مردم کوفه را به لعن حضرت علی علیه السلام واداشت و هر کسی را که از این کار خودداری می کرد، می کشت.<sup>۶</sup>

۱۰. تعقیب و آزار و قتل شیعیان: معاویه به والیانش دستور داد شیعیان را تعقیب کرده، نام دوستداران علی را از دیوان عطا و سهمیه بیت المال حذف کنند و خانه های آنان را ویران سازند.<sup>۷</sup> همچنین بیت المال را از عراق به شام انتقال داد. کشتار شیعیان نیز از زمان امام علی علیه السلام در واقعه غارات آغاز شده بود. در این واقعه بسر بن ارطاة، سفیان بن عوف و ضحاک بن قیس را که از جمله فرماندهانی بودند که به دستور معاویه به حوزه حکمرانی علی علیه السلام حمله کردند و هر کجا شیعه علی علیه السلام را می یافتند، می کشتند. بعدها یکی از مأموریت های زیاد به عنوان والی عراق، سرکوبی شیعیان این سرزمین بود. وی در نخستین قدم، دست حدود هشتاد نفر از کسانی را که

۱. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۴۳.

۲. بقره، ۲۰۴.

۳. بقره، ۲۰۷.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۶۱.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۴۴ و ۴۶.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۸۸.

۷. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۵۴.

حاضر نشدند با او بیعت کنند؛ قطع کرد.<sup>۱</sup> او پیوسته در پی شیعیان بود و هر کجا آنان را می‌یافت، می‌کشت. مسلم بن زیمُر و عبدالله بن نُجی از جمله شیعیانی بودند؛ که به دست زیاد کشته شدند. حُجر بن عدی، صحابی رسول خدا ﷺ و از یاران امام علی ؑ هم قربانی همین سیاست خشن زیاد شد. حُجر سب و لعن امام علی ؑ بر منابر را برنمی‌تافت و لب به اعتراض گشود. زیاد حجر و یارانش را دستگیر کرد و در محلی به نام «مرج عذراء» به دستور معاویه به شهادت رسانید.<sup>۲</sup> پس از حُجر در سال ۵۱ق، عمرو بن حمق خزاعی که از صحابیان رسول خدا ﷺ و از شیعیان خاص علی ؑ بود، به دستور معاویه سر از تنش جدا شد.<sup>۳</sup>

۱۱. به انزوا کشاندن شیعه: خلفای اموی، به‌ویژه معاویه، برای محو تشیع از جامعه مسلمانان، شیعیان را تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دادند. شیعیان نه تنها در هیچ‌یک از مناصب سیاسی و نظامی جامعه حضور نداشتند، بلکه حتی گواهی دادن آنان نیز در محاکم قضایی مورد قبول نبود.<sup>۴</sup> از این رو، جنایات خلفای اموی و کارگزارانشان همچون زیاد و پسرش عبیدالله و حجاج در حق شیعیان در راستای چنین هدفی بود.

۱۲. به شهادت رساندن امام حسن ؑ: بارزترین اقدام معاویه در مقابله با شیعه، به شهادت رساندن پیشوای آنان بود. معاویه پس از استقرار بر خلافت، تصمیم گرفت برای ولیعهدی پسرش، یزید بیعت بگیرد. اما وجود امام حسن ؑ و پیمان صلح با او مانع بزرگی بر سر راه بود. از این رو، وی در صدد برآمد امام را از سر راه خود بردارد. وی در این کار از همسر امام، جعده دختر اشعث بن قیس سود جست. وی جعده را در ازای وعده همسری یزید تطمیع کرد تا امام را مسموم سازد. جعده هرگز به همسری یزید درنیامد و در ازای مسموم کردن سید جوانان اهل بهشت، تنها ۱۰۰ هزار درهم دریافت کرد.<sup>۵</sup> براساس وصیت امام حسن ؑ بنی‌هاشم خواستند ایشان را در کنار رسول خدا ﷺ دفن کنند، اما بنی‌امیه به دلیل کینه دیرینه‌ای که از علی ؑ و فرزندان ایشان داشتند، مانع از انجام این خواسته امام حسن ؑ شدند. در رأس آنان مروان بن حکم و سعید بن عاص قرار

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۶۲.

۲. ابن اعثم، کتاب الفتوح، ج ۴، ص ۲۰۳؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۴؛ دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۲۴.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۵. جعده بعدها با مردی قریشی ازدواج کرد و از او بچه دار شد. کودکان با دیدن این بچه می‌گفتند: «یا ابن مسمومَة الأزواج، ای فرزند زنی که شوهرانش را مسموم کرد» (ابن حمدون، التذکره الحمدونیه، ج ۹، ص ۲۹۳).

داشتند. گفته شده که عایشه بر استری سفید و سیاه سوار شد و گفت: هیچ کس را به خانه ام راه نمی‌دهم. قاسم بن محمد بن ابی‌بکر نزد وی آمد و گفت: ای عمه، ما سرهای خود را از روز جمل احمر (شتر سرخ‌مو) نشسته‌ایم، آیا می‌خواهی که گفته شود: روز بغله شهباء (استر سفید و سیاه)؟ پس عایشه بازگشت. در این هنگام امام حسین علیه السلام فرمود: «برادرم به من وصیت کرده است که در دفن او حتی به اندازه حجامتی خون نریزم». با این سخن، پیکر امام حسن علیه السلام در بقیع دفن شد.<sup>۱</sup>

### ولایتعهدی یزید

اقدام صریح معاویه در جهت تغییر خلافت به سلطنت، موروثی کردن خلافت بود. گفته شده مغیره بن شعبه پیشنهاد ولایتعهدی یزید را به معاویه داد. معاویه خواست مغیره را از امارت کوفه عزل کند اما وی مسئله ولایتعهدی یزید را مطرح کرد تا در مقامش باقی بماند. مغیره به معاویه گفت من در کوفه و زیاد بن ابیه در بصره زمینه را برای این امر مهیا می‌کنیم.<sup>۲</sup> برخی انگیزه ولایتعهدی یزید را از همان ابتدا به خود معاویه نسبت می‌دهند.<sup>۳</sup>

مسئله ولایتعهدی یزید اعتراض‌های بسیاری به‌ویژه در حجاز و از سوی صحابه به دنبال داشت. خوارج و شیعیان عراق هم با خلافت موروثی موافق نبودند.<sup>۴</sup> سرانجام شام و عراق با یزید بیعت کردند<sup>۵</sup> و تنها حجاز باقی مانده بود. از این رو، معاویه برای اقتناع مخالفان به‌ویژه حسین بن علی علیه السلام، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر، عبدالله بن جعفر طیار و عبدالله بن عباس به مدینه رفت. اما مخالفان با حالت اعتراض به مکه رفتند و نه ملائمت معاویه و نه تهدیدش، سودی نبخشید. معاویه سال ۵۶ق جشن ولایتعهدی یزید را در دمشق برگزار کرد و برای او بیعت گرفت. در نهایت معاویه با تطمیع و خشونت و تهدید از مخالفان هم بیعت گرفت و تنها حسین بن علی علیه السلام و عبدالله بن زبیر بیعت نکردند.<sup>۶</sup>

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶.

۲. نویری، نهاية الأرب فی فنون الأدب، ج ۲۰، ص ۳۵۰؛ ابن قتیبه، الامامة والسیاسة، ص ۱۸۹.

۳. طقوش، دولت امویان، ص ۳۹.

۴. در میان امویان، مروان بن حکم و سعید بن عاص (والی مدینه) چشم به خلافت دوخته بودند؛ ولی معاویه با ایجاد اختلاف و تفرقه میان آن دو، خطر آنان را دفع کرد (طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۲۹۳، ذیل حوادث سال ۵۴ق).

۵. ابن قتیبه، الامامة والسیاسة، ص ۱۹۷.

۶. همان، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.